

نقش و آثار مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع)

بر جامعه شیعه

حسین خاکپور* - مرضیه محمودی** -

منصوره سعیدی گراغانی***

چکیده

مدیریت فرهنگی اسلامی به معنای تربیت انسان‌ها بر اساس آرمان‌های قرآن و اهل بیت^(ع) است. در بینش شیعه، ضرورت و اهمیت مدیریت را باید در اصل استوار امامت جستجو کرد. در عصر امام رضا^(ع) - به‌ویژه با توجه به جریان ولایتعهدی - فرصتی فراهم آمد تا ایشان با مدیریت فرهنگی، جان تازه‌ای به کالبد نیمه‌جان شیعه بخشیده و اسلام ناب محمادی را احیا کنند.

بر این اساس، نوشته حاضر با روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد روایی - تاریخی به بررسی نقش و تأثیر مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) بر جامعه شیعه پرداخته و نتایج را در قالب موارد ذیل بیان می‌دارد: نقش تعالی بخششی به جایگاه قرآن و اهل بیت^(ع) در جامعه، احیاکنندگی سنت رسول خدا^(ص) و ائمه اطهار^(ع)، تبیین و تثبیت به‌ویژه در اصل مهم امامت، بالندگی و توسعه بخششی، نخبه‌پروری، ساماندهی، حفاظت و هدایت، روشنگری، بصیرت‌افزایی و ...

واژه‌های کلیدی

امام رضا^(ع)، مدیریت فرهنگی، شیعه

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۴

dr.khakupur@yahoo.com

*. دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

** . دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان

marzieh.mahmoodi69@gmail.com

m.saidi51@ymail.com

*** . دانشجوی کارشناسی‌ارشد تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

❖ مقدمه

انبیاء و اولیای الهی مبعوث شده‌اند تا با «مدیریت فرهنگی» جامعه را به کمال برسانند.

خداوند می‌فرماید:

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ خدا بر اهل ایمان منت گذاشت
که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات خداوند را تلاوت کند و
نفوسشان را از هر نقص و آلاشی پاک گرداند و به آنها احکام شریعت و حقایق حکمت را
بیاموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکار بودند (آل عمران / ۱۶۴).

اهمیت مدیریت چنان است که خداوند در قرآن به تدبیرکنندگان امور قسم یاد می‌کند
«فَالْمُدْبِرَاتِ أُمَّرًا» (نازعات / ۵).

امام رضا^(ع) - وارث انبیاء و اولیای الهی - با مدیریت فرهنگی و تلاش چشمگیر، نقش
بسزایی در اعتلا و حفظ فرهنگ شیعه داشتند. ایشان با اصرار مأمون مجبور به پذیرش
ولایتعهدی شدند، مقارن همین ایام - به دنبال نهضت ترجمه - برای پیروان دیگر مذاهب
فرصتی پیش آمد تا به نشر افکارشان پردازند و شبهه‌های زیادی را وارد دین اسلام کنند.
پذیرش ولایتعهدی و قبول زحمت سفر گرچه با اکراه صورت گرفت، اما یکی از ابعاد
مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) است، چون اگر این سفر مخفیانه و بدون اعلام عمومی حکومت
بود و از بُعد اطلاع‌رسانی تقویت نمی‌شد، شاید تعداد کمی از شیعیان نزدیک، از حضور
امام^(ع) در شهرها باخبر می‌شدند، اما این سفر و هجرت به خراسان در حالی صورت گرفت
که حکومت آنرا برنامه‌ریزی کرده بود و چون قصد بهره‌برداری سیاسی از هجرت و
واگذاری ولایتعهدی داشت، در بُعد اطلاع‌رسانی آن نیز سرمایه‌گذاری کرد. امام^(ع) با حضور
فعال در مناظره‌ها و بحث‌های علمی، به نشر معارف اسلامی پرداختند و با صبر و حوصله
در برخورد با شبهه‌ها، نقش مهمی در ابطال نظر نادرست و جلب نظر دانشمندان سایر
مکاتب داشتند و در عمل با «مدیریت فکری و فرهنگی» باعث نشر عقاید شیعه شدند.

مدیریت مدبرانه هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت باعث تعالی جایگاه قرآن

نقش و آثار مدیریت فرهنگی ... ❖ ۳۳

و عترت در جامعه شد، ایشان با احیای اسلام ناب محمدی، به تبیین اصل امامت پرداخته، باعث رشد علمی و فرهنگی و توسعه شیعه شدند. امام رضا^(ع) ضمن سازمان‌دهی عقاید و باورهای شیعه، مبانی کلامی تشیع را به کمال رسانده، در عین حال شیعه را از طوفان‌های آسیب و انحراف، محفوظ داشتند که نوشته حاضر به آنها می‌پردازد.

مفهوم‌شناسی

۱. مدیریت

مدیریت در مفهوم خاص به معنای گرداندن یک سازمان در جهت هدف خاص خود است (نیلی‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۵۳) و به تعبیر دیگر مدیریت، فرایند کار کردن با دیگران و استفاده کارآمد از منابع محدود برای تحقق بخشی اهداف سازمانی است (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۶). اما در معنای عام شامل هدایت و رهبری جامعه بوده که در اینجا این مفهوم مورد نظر است. از واژگان مدیریت در منابع اسلامی می‌توان به «امامت» و «ولایت» اشاره کرد که برجسته‌ترین و بنیادی‌ترین معنای به‌کارگیری آن در مفهوم مدیریت و رهبری است (نیلی‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۵۳). پس مدیریت در پرتو اصل امامت به معنی رهبری جامعه بر اساس قرآن و سنت پیامبر^(ص) و هدایت جامعه به سوی کمال است (الوانی، ۱۳۷۴: ۳۶).

۲. فرهنگ

در زبان فارسی، «فرهنگ» واژه‌ای بسیط و رساننده مفهوم ادب، تربیت، حکمت یا هنر و ... است (نائینی، ۱۳۸۹: ۲۷) و در مفهوم رایج آن، به شیوه‌های زندگی که افراد یک جامعه می‌آموزند، در آن مشارکت دارند و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد، اطلاق می‌شود (کوئن، ۱۳۸۸: ۷۲). استواری و ماندگاری جامعه به حفظ، تثبیت، پالایش، انتقال و ترویج فرهنگ بستگی دارد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۹).

۳. مدیریت فرهنگی

مدیریت فرهنگی اسلامی به معنای تربیت انسان‌ها بر اساس آرمان‌های قرآن و اهل

بیت^(ع) است (نیلی پور، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۹). اسلام برای رهبری و مدیریت، جایگاه مهم و شامخی قائل است و آنرا به عنوان اساسی ترین محور جامعه و یکی از اصول مهم اسلام می داند. در بینش شیعه، ضرورت مدیریت را باید در اصل استوار امامت جستجو کرد. مشروعیت مدیریت در جامعه اسلامی به این دلیل است که با امامت پیوند دارد و هر گاه این ارتباط قطع شود تمام حرکتها خاصیت خود را از دست می دهند (تقوی دامغانی، ۱۳۶۸: ۵۱). در این مورد امام رضا^(ع) می فرمایند: «بالامام تمام الصلاة و الزکاه و الصیام و الحج و الجهاد و توفیر الفیء و الصدقات و امضاء الحدود و الاحکام و منع الثغور و الاطراف؛ به وسیله امام نماز و زکات و روزه و حج و جهاد تمام و خراج و صدقات افزون و حدود و احکام اجرا و مرزها و مناطق حفظ می شوند» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۶۷۶؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۴۳۸). در عصر امام رضا^(ع) - با توجه به جریان ولایتعهدی - فرصتی فراهم آمد تا ایشان با مدیریت فرهنگی اسلام، به ویژه جامعه شیعه، نقش مهمی در بازشناسی اسلام ناب محمدی و شیعه به مردم داشته باشند. در ادامه به گوشه‌هایی از این نقش و تأثیر اشاره می شود.

نقش تعالی بخشی

رسول خدا^(ص) بارها در حدیث ثقلین بیان فرمودند که راه نجات امت، تمسک به ثقلین یعنی قرآن و عترت است؛ اما پس از ارتحال قطب عالم هستی^(ص)، عترت عملاً توسط حکام کنار گذاشته شد و قرآن هم نقش حاشیه‌ای به خود گرفت، از کارهای مهم امام رضا^(ع) تعالی بخشیدن به جایگاه این دو ثقل بود.

۱. تعالی جایگاه قرآن

در مکتب معارف رضوی، قرآن به عنوان کلام وحی، اصیل ترین منبع شناخت حقایق دین و مضامین هدایتی، تربیتی و معرفتی است. امام علی بن موسی^(ع) به گونه‌های مختلفی، ارجمندی قرآن را به امت اسلامی یادآوری کرده‌اند.

استدلال به قرآن

یکی از روش‌های امام^(ع) در نشان دادن جایگاه قرآن، استدلال متعدد به آیات قرآن - چه در مناظره‌ها و چه در سایر بحث‌های علمی - است و سخن قرآن را تردیدناپذیر می‌دانستند. البته استناد به آیات قرآن در مناظره‌ها، هنگامی است که مخاطب، مسلمان بوده و حقانیت قرآن را قبول داشته، در مواردی که مخاطب به ادیان دیگری ایمان داشته یا اصولاً به هیچ دینی پایبند نبوده است، امام^(ع) به منابع مورد قبول آنان یا به دلایل عقلی استناد می‌جستند، چنان‌که آن حضرت در مناظره با جاثلیق مسیحی، به مطالب/تجلیل (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۴۲۷ - ۴۲۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۲۱ - ۴۱۶) و در مناظره با متکلمی چون عمران صابئی (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۴۴۱ - ۴۳۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۲۵ - ۴۲۴؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۶۸۰ - ۶۷۷) که اصولاً معتقد به پروردگار هستی نبود، به دلایل عقلی تکیه کرده‌اند. حال آنکه وقتی در مناظره با مدعیان مسلمان به اثبات عصمت انبیاء می‌پردازند (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۹۳ - ۹۰ و ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۹۶ - ۳۸۹) یا در گفتگو با سلیمان مروزی (همان، ۱۳۹۸ق: ۴۵۴ - ۴۴۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۰۳ - ۴۰۱) برخی صفات و افعال الهی را بیان می‌کنند، سخنان خود را به آیات قرآن مستند می‌سازند.

اهتمام به قرائت، تأمل و تدبر در قرآن

علاوه بر این شیوه، حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) با اهتمام به قرائت قرآن و تأمل و تدبر در آن، جایگاه و اهمیت آن را به شیعیان متذکر می‌شدند. از امام رضا^(ع) سؤال شد: «ای فرزند رسول خدا^(ص) نظر شما درباره قرآن چیست؟ امام^(ع) فرمودند: قرآن کلام خداست از آن پا فراتر ننهید، از رهنمودهایش تجاوز نکنید و هدایت را از غیر آن مجویید، زیرا اگر از کتاب و منبع دیگری جز قرآن طلب هدایت کنید گمراه می‌شوید» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۵۴۶ و ۱۳۹۸ق: ۲۲۴). امام^(ع) تمام مطالب خود را به آیات قرآن مستند می‌کردند. ایشان در هر سه شبانه‌روز، یک مرتبه قرآن را ختم می‌کردند و می‌فرمودند: «اگر بخواهم، سریع‌تر از این نیز

می‌توانم قرآن را ختم کنم، اما از هیچ آیه‌ای نمی‌گذرم مگر اینکه در آن تأمل می‌کنم» (طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۳۸؛ اربلی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۵۶).

۲. تعالی‌بخشی و بازشناسی جایگاه عترت

امام رضا^(ع) از هر فرصتی استفاده می‌کردند تا جایگاه رفیع عترت را برای مردم بازشناسانند. ایشان می‌فرمایند: «الائمة خلفاء الله عزوجل فی ارضه؛ امامان، خلفای خدای عزوجل در زمین هستند» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۷۵). امام^(ع) در این بیان، مسئله امامت اهل بیت^(ع) را امری متصل و جداناپذیر دانسته و بر مقام خلیفه‌اللهی آنها تأکید می‌کنند. ایشان، امام را وسیله احیای نماز، زکات، روزه و حج دانسته که باعث اجرای حدود الهی شده و از حد و مرزها نگاهبانی می‌شود (رک: ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۶۷۶؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۴۳۸). امام رضا^(ع) در حدیث دیگری، مقصود از میزان در آیه «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» (رحمان / ۲) را امام علی^(ع) می‌داند (ابن بابویه، ۴۰۳: ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۰۹؛ اربلی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۵۲۸) و ده‌ها حدیث دیگر که مجال پرداختن به آنها نیست.

نقش احیاکنندگی

امام رضا^(ع) از هر فرصتی برای احیای سنت رسول خدا^(ص) و ائمه اطهار^(ع) استفاده می‌کردند تا انحراف‌هایی را که حکام در جامعه به وجود آورده بودند، اصلاح کنند. از جمله وقتی مأمون دستور داد تا آن حضرت نماز عید را با مردم بخوانند، امام رضا^(ع) ابتدا نپذیرفتند، ولی چون مأمون اصرار کرد، ایشان فرمودند به شرطی نماز می‌خوانند که اجازه دهند همان‌گونه که رسول خدا^(ص) و علی^(ع) نماز می‌خواندند، بخوانند. مأمون پذیرفت و آن حضرت با پای پیاده و برهنه همراه با شیعیان خود به راه افتادند، صدای تکبیر در شهر پیچید و جمعیت زیادی با آن حضرت همراه شدند. فضل بن سهل احساس خطر کرد و از مأمون خواست تا دستور بازگشت امام رضا^(ع) را صادر کند (مسعودی، ۱۳۶۲: ۳۹۷-۳۹۶؛ قتال‌نیشابوری، ۱۳۶۶: ۳۷۴-۳۷۳؛ مفید، بی تا، ج ۲: ۲۵۷-۲۵۶).

نقش و آثار مدیریت فرهنگی ... ❖ ۳۷

از این مسئله، به تلاش و کوشش امام رضا^(ع) برای احیای اسلام اصیل و میزان توجه و تمرکز مردم به ایشان پی می‌بریم.

نقش تبیینی و تثبیتی: (تبیین اصل امامت)

امامت، بی‌تردید محوری‌ترین جایگاه و نقش را در منظومه اندیشه کلامی شیعه امامیه داراست. اعتقاد به «نص» و «عصمت» از یکسو و نقشی که امامیه برای جایگاه معنوی امام، یعنی مرجعیت انحصاری دینی امامان قائل بودند نشانگر اهمیت این جایگاه است (محمدزاده، ۱۳۸۸: ۴۵۳). پافشاری بر عصمت امام، مبین کوشش برای انطباق صلاحیت‌های رهبری بر ویژگی‌های پیامبر^(ص) بوده و اعتقاد به نص، مبین اصرار بر حفظ موقعیت اقتدار الهی رهبران جامعه است.

از صدر اسلام و پس از رحلت پیامبر^(ص)، درباره جانشینی و امامت، در بین مسلمانان اختلاف به وجود آمده است. قدرت‌های حاکم و نیز طمع‌کاران منصب امامت و رهبری، به این اختلاف‌ها دامن زده، در نتیجه امت اسلام پراکنده و به مذاهب گوناگون و متضاد تقسیم شده است. مهم‌ترین این مذاهب که اصل به‌شمار می‌آیند و مذاهب دیگر از آنها منشعب شده‌اند دو مذهب است. یکی تسنن که پیروان آن اعتقاد دارند پس از پیامبر^(ص)، خلافت از آن ابوبکر و سه خلیفه پس از اوست. دیگری تشیع یا امامیه که پس از رحلت رسول خدا^(ص)، امامت را خاص علی بن ابی‌طالب^(ع) و پس از آن ۱۱ فرزندش می‌دانند. هر یک از این مذاهب درباره حقانیت و درستی اعتقاد خود و رد دیگر مذاهب، دلایل و براهینی دارند. اما دلایل اهل بیت^(ع) در احق و اولی بودن خود به خلافت و امامت، مستند به نصوص صریح و روشن از پیامبر^(ص) بوده و صلاحیت و شایستگی‌های پیشوایان تشیع، آنان را شایسته احراز مقام امامت کرده است.

با توجه به حضور و فعالیت جریان‌های فکری مختلف در عصر امام رضا^(ع)، اختلاف اصلی شیعه با دیگر فرق و مذاهب اسلامی و یکی از عقاید مهمی که در معرض آسیب قرار

داشت، مسئله امامت شیعی بود. امام رضا^(ع) با درک این واقعیت به معرفی و تبلیغ امامت شیعی پرداختند و منزلت ائمه^(ع) را با تفصیلی تمام، روشن ساختند. در نتیجه تلاش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی آن حضرت، جایگاه امامت در اندیشه شیعه نهادینه شد. از این رو این مسئله یکی از ثمره‌های مهم مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) به‌شمار می‌آید.

امام رضا^(ع) نه تنها به‌عنوان رهبر دینی و اخلاقی گروهی خاص، بلکه به‌عنوان ارائه‌کننده نظریه امامت و ولایت به بررسی تمام ابعاد و زوایای مسئله رهبری در اندیشه شیعی پرداختند. ایشان با استفاده از هر فرصتی، سؤال‌ها و شبهه‌های پیرامون امامت و ولایت ائمه^(ع) را پاسخگو بودند، به‌گونه‌ای که مردم در مراجعه به ایشان، محوریت سخن و پاسخگویی در ناحیه اعتقادات و احکام را حضرت علی بن موسی^(ع) می‌دانستند، تا آنجا که نظر سایر فرق را به‌لحاظ صحت و سقم به امام^(ع) ارائه می‌دادند و در پاک‌سازی اندیشه‌ای سایر فرق از ایشان استمداد و استدلال می‌جستند.

باید اذعان داشت امام رضا^(ع) مانند دیگر امامان شیعه، بخش برجسته دعوتشان را موضوع امامت تشکیل داده است. گویای این امر هم روایت‌های فراوانی است که ادعای امامت را از زبان امام رضا^(ع) با صراحت نقل می‌کنند که در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

- محمد بن فضیل می‌گوید: «از حضرت رضا^(ع) پرسیدم: آیا ممکن است زمین بدون امام باشد؟ امام^(ع) فرمودند: «لا إذا لساخت بأهلها؛ هرگز، در آن وقت زمین اهل خود را فرو خواهد برد» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۹۸).

بنابر احادیث متعددی که از ائمه^(ع) رسیده، وجود امام عادل و عالم در زمین ضروری است تا حجت خدا بر انسان‌ها و راهنمای آنان به تعالیم دین باشد و کسی را جای اعتراض بر خدا نباشد.

- امام رضا^(ع) فرمودند:

رَحِمَ اللهُ عبداً أحمياً أمرنا. فقلت له: وكيف يحيى امركم؟ قال يتعلم علوننا و يعلمها الناس، فإن الناس لو علموا محاسن كلامنا، لاتبعوننا؛ خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده

نقش و آثار مدیریت فرهنگی ... ❖ ۳۹

کنند. گفتیم: زنده نمودن امر شما به چیست؟ امام^(ع) فرمودند: علوم و معارف ما را فراگیرد و به مردم تعلیم دهد، زیرا اگر مردم زیبایی‌های سخن ما را بدانند، از ما پیروی می‌کنند. (همان، ۱۴۰۳ق: ۱۸۰ و ۱۳۷۲، ج ۱: ۶۲۰).

امام^(ع) در هنگام اشاعه و تبلیغ این مطلب در مرحله‌ای از مبارزه قرار داشتند که می‌بایست به‌طور مستقیم و صریح، حکام زمان را نفی و خویشان را به‌عنوان صاحب واقعی ولایت و امامت به مردم معرفی کنند. امام^(ع) در مواردی به اثبات امامت برای خویشان بسنده نمی‌کنند، بلکه همراه نام خود نام امامان به حق و اسلاف پیشین خود را نیز یاد می‌کنند. در حقیقت مسئله امامت اهل بیت^(ع) را امری متصل و جدایی‌ناپذیر مطرح می‌سازند. امام رضا^(ع) با این بیان، امامت خود را نتیجه قهر مترتب بر امامت گذشتگان می‌شمارند و سلسله امامت خود را به پیامبر^(ص) متصل می‌کنند. در این زمینه روایت‌های بسیاری وارد شده که ذکر همه آنها از مجال بحث خارج است. از جمله این روایت‌ها می‌توان به حدیث سلسله‌الذهب اشاره کرد (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۲۰؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۷۰؛ طبسی، ۱۳۹۱: ۴۳؛ قندوزی حنفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۱۶۸). بر اساس این روایت‌ها شرط ورود به توحید، امامت بوده و این نمونه معدودی از اهتمام امام رضا^(ع) در تبیین و تثبیت مسئله امامت شیعی است که در نتیجه تلاش‌های ایشان موضوع امامت در سرلوحه عقاید شیعی قرار گرفت.

نقش بالندگی و توسعه‌ای

رشد، توسعه و بالندگی تشیع در تمامی ساحت‌ها، پس از امام صادق^(ع)، مدیون اندیشه و مدیریت متعالی امام رضا^(ع) است.

۱. رشد علمی و فرهنگی تمدن اسلامی و تشیع

یکی از نتایج مهم مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) ارتقاء سطح علمی و فرهنگی جامعه اسلامی است. جایگاه مهم علم و دانش در میان ارکان و عناصر تمدن‌ساز، امری روشن و

نقش مؤثر آن در شکل‌گیری و تداوم تمدن‌های بشری، جای تردید ندارد. ارتباط تنگاتنگ میان مقوله علم با فرهنگ و تمدن اسلامی که آموزه‌های اصیل آن بیشترین تأکید را بر تعلیم و تربیت داشته و دانشمندی بزرگ پرورش داده بیشتر نمایان است. البته علی‌رغم اهتمام دین اسلام به دانش‌پروری و انگیزه مسلمانان برای توسعه و پیشرفت‌های علمی، به دلیل وجود برخی موانع سیاسی و اجتماعی در سده اول و اوایل سده دوم، فضای مساعدی برای توسعه علمی وجود نداشت؛ اما امام رضا^(ع) با استفاده از تاکتیک‌های مدبرانه، راه علم و فرهنگ را در جامعه اسلامی و به‌ویژه تشیع فراهم آوردند که برخی از آنها به شرح ذیل است:

تصحیح نگرش مسلمانان (نسبت به دین، علم و مبانی شیعه)

به‌خاطر وجود مکاتب مختلف فقهی، کلامی و ... عصر قبل از امام رضا^(ع) به جولانگاه افکار انحرافی تبدیل شده بود. از جمله، انحراف‌های ناشی از ترجمه کتاب‌های بیگانه نیز اعتقادهای اصیل دینی را هدف قرار داده بود. بهینه‌ترین اقدام در این وضعیت، ترویج فرهنگ دینی و عقاید اصیل اسلامی با ارائه روش‌های شناخت حق از باطل و درواقع کاری معرفت‌شناختی درخصوص عقاید رایج در راستای تثبیت عقاید حقه بود که امام رضا^(ع) با انجام مسافرت‌هایی به مراکز پخش این اندیشه‌های انحرافی از قبیل بصره و کوفه و انجام مناظره با آنها، تأثیری مهم در تصحیح نگرش مسلمانان به مسائل دینی و علمی داشتند (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۲۸۳۰).

علی‌بن موسی الرضا^(ع) طی دوران اقامت خود در مرو، مرکز علمی و اداری خراسان، تلاش گسترده‌ای را برای ترقی اندیشه و اعتقادهای مردم خراسان به‌عمل آوردند. در دوران ولایتعهدی امام رضا^(ع) در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی اتفاق‌های بسیاری رخ داد و روز به روز عظمت و محبوبیت امام^(ع) بیشتر شد، گرچه در ظاهر به نظر دشمنان، چنین تصور می‌شد که حرکت امام^(ع) از مدینه به خراسان بهره‌چندانی نداشته است، ولی اگر این جریان به‌درستی مطالعه و تحلیل شود درمی‌یابیم که این حرکت برای شیعیان مفید بوده است.

در مجموع امام^(ع) در این سه سال انقلاب فرهنگی و سیاسی، فعالیت‌های عمیق و

نقش و آثار مدیریت فرهنگی ... ❖ ۴۱

❖ سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳

وسیعی به نفع تشیع انجام دادند که بعد از نهضت علمی امام صادق^(ع) در تاریخ تشیع نظیر ندارد. همین انقلاب فرهنگی، مبانی اصیل تشیع را در سطح عالی تبیین کرد. مجالسی که به دستور مأمون تشکیل می‌شد و امام^(ع) با دانشمندان اسلامی و غیراسلامی بحث می‌کردند مفید بود. بسیاری از دانشمندان مادی از بیان امام رضا^(ع) قانع می‌شدند و به سستی مبانی خود اعتراف می‌کردند. بسیاری از علمای اهل تسنن در برابر پاسخ‌های امام^(ع) متحیر و بی‌جواب می‌ماندند (رک: ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ۴۲۷-۴۲۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۲۱-۴۱۶ و...) همین امر موجب تقویت و استحکام فرهنگ شیعی شد.

تعلیم و تربیت همگام با هدایت و ارشاد

مأمون در تظاهر به تشیع، امام^(ع) را در بیان و گسترش مبانی تشیع آزاد و تأیید می‌کرد. در این دوره با روی کار آمدن مأمون که خود دانشمندترین خلیفه بنی‌عباس بود و نسبت به دانش‌افزایی جامعه اسلامی نظر مساعدی داشت موقعیتی به وجود آمد که در آن علم و معرفت به آسانی می‌توانست رشد و نمو کند. امام رضا^(ع) در این دوره، دو مسئله را هم‌زمان پیش بردند: از یک سو ارشاد و هدایت آحاد مردم و سوق دادن آنان به قرآن و سیره پیامبر^(ص) و از سوی دیگر تعلیم و تربیت مردم و توجه دادن آنان به علم و دانش و مبارزه با انواع شبهه‌ها که در نهایت باعث اعتلا و گسترش فرهنگ و مبانی تفکر شیعی شد.

توسعه همه‌جانبه علوم

باید توجه داشت علوم مورد بحث در مدرسه امام رضا^(ع) فراتر از تشیع است. از جمله، گسترش علم پزشکی در زمان امام رضا^(ع) را می‌توان از ویژگی‌های آن دوره دانست. نقش اول در اهتمام به علم طب و گسترش آن، مربوط به امام رضا^(ع) است که با ارائه بحث‌ها و مکتوبات مهمی در این زمینه از جمله رساله ذهبیه، حکام عباسی را بر آن داشت تا مردم را به تحقیق در این زمینه تشویق کنند و خود نیز در این خصوص اقدام‌هایی انجام دادند (رک: علی بن موسی^(ع)، ۱۴۰۲ق).

همچنین علم کلام یکی از برجسته‌ترین رشته‌هایی بود که به‌شدت مورد توجه قرار گرفت و مباحث گوناگونی از سوی طیف‌های مختلف متکلمان در دفاع از باورهای خویش طرح و بحث می‌شد که خود این قضیه روحیه تحقیق و تتبع در مسائل کلامی را در طالبان حقیقت تقویت کرد، هر چند در این برهه از تاریخ اسلام، شاهد پیدایش یا اشاعه فرق مختلفی هستیم که به‌نوعی گرفتار انحراف‌های عقیدتی بودند و برای تثبیت ادعاهای خویش، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند و متأسفانه تأثیر افکار انحرافی چنین گروه‌هایی برای برخی افراد قابل کتمان نیست، نقش اساسی حضرت رضا^(ع) و اصحاب و شاگردان ایشان در ابطال برهانی و عقلانی مبانی این فرقه‌ها، افشای انحراف‌های آنها و هدایت مردم حائز اهمیت است.

ایجاد فضای مناسب علمی

زمانی که از نقش امام رضا^(ع) در توسعه علم و شکوفایی معارف اسلامی بحث می‌شود، نباید به این بسنده کرد که امام رضا^(ع) شاگردان بزرگی را در علوم مختلف تربیت کردند. زیرا این برداشت ساده‌ای از مدیریت فرهنگی ایشان است. نقش عمده امام^(ع) در زمینه توسعه علم، ایجاد فضای علمی مناسبی برای طرح نظریه‌ها و اندیشه‌های مخالف بود، تا در سایه آزادی بیان، مطالبی طرح شود و سپس مورد نقد و بررسی منطقی و عقلانی قرار گیرد. بدین ترتیب سده سوم و چهارم ق. شاهد اوج تمدن اسلامی در سه وجه مسائل فرهنگی، توسعه علمی و همچنین پیشرفت‌های صنعتی و فناوری است.

۲. گسترش تشیع در عصر امام رضا^(ع)

رشد مذهب تشیع یکی دیگر از آثار مهم مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) به‌شمار می‌آید. گرچه بعد از جریان عاشورا تا حدی احساس مردم، به‌خصوص شیعیان به سمت اهل بیت^(ع) معطوف شد و امام سجاده، امام باقر و امام صادق^(ع) فعالیت‌های فرهنگی مهمی در جهت توسعه مبادی شیعه انجام دادند. امام کاظم^(ع) با وجود زندانی بودن از هر فرصتی

برای گسترش فرهنگ شیعی استفاده کردند؛ اما تبلیغات امویان و عباسیان علیه شیعه شدیدتر از آن بود که تشیع دست‌کم به‌طور علنی رشد کند. این حکومت‌ها در صحنه سیاسی و اجتماعی برخورد سختی با شیعیان داشتند. همچنین در بُعد فرهنگی با جعل احادیث و تحریف آنها به‌طور مداوم در تخطئه شیعه می‌کوشیدند. اما در زمان امام رضا^(ع) فرصتی پیش آمد و آن مطرح شدن مسئله ولایتعهدی است. امام^(ع) در دوران ولایتعهدی با آزادی بیانی که در عصر مأمون عباسی داده شده بود و با استفاده از مناظره‌های علمی با اهل کتاب و نحله‌های فکری گوناگون زمینه اعتلای معرفت، بیش دینی و گسترش تشیع این منطقه را فراهم کردند. آن حضرت با تشکیل محافل علمی، کلامی و حدیثی به دفاع از اصول اسلام و فرهنگ اهل بیت^(ع) پرداختند و به ایرادها و شبهه‌های فِرَق مختلف پاسخ دادند. امام^(ع) برای تبیین و تحکیم مواضع شیعه و رفع شبهه از آن، گام‌های اساسی برداشتند و تحول‌های فرهنگی چشمگیری را در جامعه ایجاد کردند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۷۳-۳۵۱).

جامعه شیعی عصر امام رضا^(ع) در اکثر مناطق به‌خصوص در خراسان رو به افزایش بود. اگر به دوره قبل بازگردیم توسعه شیعه معلول عوامل مختلفی از جمله اعزام مبلغانی به نقاط مختلف خراسان بود تا مردم را با جریان اصیل امامت آشنا کنند. عامل دیگر توسعه شیعه در خراسان، حضور دعوات عباسی در این منطقه است که با شعار «الرضا من آل محمد^(ص)» وارد میدان شده بودند. همچنین حضور امام رضا^(ع) در مرو، مرکز علمی و اداری خراسان، در منصب ولایتعهدی زمینه رشد و گسترش شیعه را در خراسان فراهم کرد. مردم خراسان که از پیش به خاندان رسالت علاقه‌مند بودند، پس از حضور آن حضرت، عشق و محبتشان به اهل بیت^(ع) و علویان بیشتر شد، به‌گونه‌ای که مدفن امام رضا^(ع) به یکی از پایگاه‌های مهم تشیع در طول تاریخ درآمد و بر تاریخ فرهنگ، هنر و اقتصاد ایران تأثیر عمیقی بر جای گذاشت.

با توجه به آنچه در منابع تاریخی آمده است علاوه بر منطقه خراسان، توسعه شیعیان در مناطق مدینه، کوفه، بغداد و قم در دوره امام رضا^(ع) قطعی به‌نظر می‌رسد (ابن شهر آشوب

سال دوم، شماره هفتم، زمستان ۱۴۹۳

مازندرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ۲۲۰). به همین دلیل در جریان حرکت امام رضا^(ع) از مدینه به مرو، ایشان را از مسیر اصلی که از میان شهرهای معروف شیعی چون کوفه و قم می‌گذشت عبور ندادند بلکه راه بصره را که راه فرعی و طولانی‌تری بود انتخاب کردند. در مجموع دوران امامت امام رضا^(ع) به‌ویژه دههٔ دوم آن، دوران آزادی و آسایش نسبی شیعیان است. در این مقطع زمانی، شیعیان و سادات از اطراف برای دیدن و بهره بردن از محضر ایشان به خراسان روی آوردند. بی‌شک عقابید، اندیشه و فقه شیعه در این دوران گسترش درخور توجهی داشت.

نقش نخبه‌پروری

امام رضا^(ع) طی ۱۸ سال امامت در مدینه و دو سال اقامت در ایران با تشکیل کلاس‌های درس به تربیت نخبگان پرداختند که جمع آنها را ۳۱۸ نفر دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۷۳-۳۵۱). این آمار نشانگر توسعهٔ چشمگیر شیعیان و ظهور افراد ویژه با استعدادهای درخشان در مکتب امام رضا^(ع) و نقش بی‌بدیل ایشان در نخبه‌پروری است، کسانی که هر کدام به تنهایی عدهٔ کثیری را با جامعهٔ شیعی همراه کردند.

یکی از شاگردان امام^(ع)، حسن بن محبوب سواد، از کسانی است که علما به صحت احادیث او اجماع کرده‌اند و آثار بسیاری مثل: کتاب، حدود، دیات، مشیخه، فرائض، نکاح، طلاق و ... از او به یادگار مانده است (ابن ندیم، بی‌تا: ۲۸۶).

شاگرد دیگر ایشان، صفوان بن بجلی بوده که در باب‌های مختلف فقه و دیگر مباحث اسلامی بیش از ۳۰ جلد از او باقی مانده است (نجاشی، ۱۳۶۵؛ ۱۹۷؛ طوسی، ۱۳۵۱: ۱۱۳). امام جواد^(ع) می‌فرماید: خداوند از صفوان بن یحیی و محمد بن سنان - به‌خاطر رضایتی که من از آنان دارم - راضی است، آنان هیچ‌گاه با من و پدرم مخالفت نورزیدند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۹۹؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۳۵۹).

زکریابن آدم از دیگر شاگردان امام^(ع) است که حضرت مردم را - هنگامی که به حضرت دسترسی نداشتند - به او ارجاع دادند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۹۵-۵۹۴). علی بن اسماعیل میثمی

نقش و آثار مدیریت فرهنگی ... ❖ ۴۵

در بحث‌های اعتقادی و فن مناظره از قدرت بالایی برخوردار بود. وی شاگرد آستان آن حضرت است که با قلم و زبانش از حقوق اهل بیت^(ع) دفاع می‌کرد (صدر، بی‌تا: ۳۵۳؛ اشعری، ۱۳۶۲: ۹۲).

نقش سازمان‌دهی و سامان‌بخشی

سازمان‌دهی، سامان‌بخشی و نظام‌مند شدن ساختار جامعه شیعه، از آثار ویژه مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) به‌شمار می‌آید که در مؤلفه‌های زیر قابل طرح است:

۱. بستن پرونده فرقه‌گرایی

امام رضا^(ع) پرونده فرقه‌گرایی را در شیعه بستند. عظمت وجودی و مقام علمی بالای ایشان که از منبع وحی سرچشمه می‌گرفت، رفتار محبت‌آمیز امام^(ع) و دیگر عوامل باعث شد تا فرقه‌های شیعه، جمع شده و تقریباً همه - به‌جز فرقه اسماعیلیه - امامی‌مذهب (شیعه اثنی‌عشری) شدند (رک: نوبختی، بی‌تا: ۶۸ و ...).

۲. نظام‌مند شدن ساختار عقاید و باورهای شیعی

از جمله آثار مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) شکل‌گیری و تداوم عقاید و باورهای شیعی است. عصر امام^(ع) بنا به دلایلی از جمله انحراف‌های ناشی از ترجمه کتاب‌های بیگانه و آشنایی مسلمانان با علوم دیگر ملل و نحل، خاصه ایرانیان، یونانیان و عقاید رایج در این دو منطقه و مذاهبی چون یهودیت، مسیحیت، زردشت، مانوی، مزدکی و مکاتبی چون عرفان‌گرایی (آیین گنوستیک)، رواقی‌گری و دیگر مکاتب رایج در سرزمین‌های مفتوحه، عصر شکوفایی بحث‌های کلامی و عقیدتی بود. جریان‌های مختلف با رویکردهای متفاوت و در مواردی با عقاید انحرافی در جامعه اسلامی حضور داشتند که اعتقادهای اصیل دینی را هدف قرار داده بودند. متفکران، اندیشمندان و امام هر مذهب به تشخیص خویش به این‌گونه شبهه‌ها پاسخ می‌دادند. اختلاف در نوع برخورد با شبهه و پاسخ‌های ارائه‌شده، امری طبیعی بود اما به هر حال در گسترش اختلاف‌های عقیدتی هر فرقه با فرقه دیگر نقشی تعیین‌کننده داشت.

بهینه‌ترین اقدام در این وضعیت، ترویج فرهنگ دینی و عقاید اصیل اسلامی یا ارائه راه‌های شناخت حق از باطل و درواقع کاری معرفت‌شناختی در خصوص عقاید رایج در راستای تثبیت عقاید حقه بود. امام رضا^(ع) با تبیین ابعاد مختلف عقاید شیعی، چارچوب فکری و عقیدتی را ترسیم کرده و جامعه شیعی را در باورها و عقاید به کمال رساندند. امام^(ع) در دفاع از حقانیت اسلام، توجیه‌های عقلی ارائه می‌دادند و در همین زمینه نیز شاگردانی که رسالت آنها دفاع عقلانی از دین و عقاید مذهب شیعه بود تربیت شدند.

۳. ساماندهی مبانی کلامی شیعه

به قدرت رسیدن عباسیان مقارن با شکل‌گیری رسمی مذاهب کلامی در عالم اسلام است. نیمه اول قرن دوم ق. برای همه مذاهب و فرق اسلامی عصر کسب استقلال عقیدتی و کلامی است. پس از آنکه معتزله اصول خمس خود را مدون و ارائه کردند، دیگر مذاهب اصلی هم ناگزیر از ارائه اصول اعتقادی خود شدند و به مرور، مکاتب و مذاهب عقیدتی به وجود آمدند. اوج‌گیری مباحث کلامی در عصر امام رضا^(ع)، فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای جامعه اسلامی در پی داشت. امام رضا^(ع) در چنین شرایطی، از فرصت‌های موجود برای تبیین مواضع خود در موضوع‌های کلامی بهره برده، تهدیدهای حاصل از فعالیت جریان‌های فکری گوناگون را به فرصت مبدل ساخته و به ساماندهی مبانی کلامی شیعه پرداختند. در این هنگام، تحت تأثیر شرایط سیاسی جامعه اسلامی در دوره انتقال قدرت از بنی‌امیه به بنی‌عباس و پس از آن تا به قدرت رسیدن مأمون، اصلی‌ترین مبحث کلامی جامعه اسلامی که به شدت مورد علاقه هر دو جریان بوده، موضوع امامت و رهبری و مباحث متفرع بر آن است. دیگر بحث‌های کلامی این دوره مباحثی چون توحید، قدر، جبر، جایگاه مؤمن و کافر و ... تحت‌الشعاع این مبحث قرار گرفت (محمدزاده، ۱۳۸۸: ۴۱۷). از دیگر مسائل کلامی مطرح‌شده در آن زمان، مسئله رؤیت خداوند بود. امام^(ع) در رد این برداشت فرمودند: «اگر کسی بتواند خدا را به چشم ببیند، پس به او احاطه علمی پیدا کرده و خدا مورد معرفت قرار گرفته است» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۱۱۰).

روایت‌های متعددی نیز از امام رضا^(ع) درباره قضا و قدر و مسئله جبر و اختیار وارد شده است. ایشان در این مورد معتقد به «امر بین امرین» بودند که این مفهوم نشانگر داشتن اختیار از سوی انسان است. از سوی دیگر، امام رضا^(ع) روایت‌های مورد ادعا در مباحث کلامی و غیر آنرا بررسی کرده و قسمتی را از اساس غیر صحیح خوانده و برخی را نیز با استفاده از آیات و روایت‌های دیگر و مقدمات عقلی توجیه کردند (همان: ۳۹۰-۳۵۹). شکل‌گیری مذاهب کلامی و مشخص شدن حدود و ثغور این مذاهب در اواخر دوره اموی و اوایل حکومت عباسی به مرور مناقشه‌های عقیدتی را به مجادله‌های مذهبی مبدل کرد، به طوری که در اوایل دوره عباسی، مذاهب در مقابل یکدیگر قرار گرفتند و این به نفع حکام عباسی بود، چراکه روشنفکران جامعه را که به طور معمول اصلی‌ترین مزاحمان اقتدار هم هستند، متوجه یکدیگر کرد. شاید سیاست ویژه خلفای عباسی برای تشکیل جلسه‌های مناظره و مباحثه در جهت تأمین همین هدف راهبردی برای حکومت بوده است. البته ضرورت‌های زمان و آشنایی مسلمانان با آثار فکری و معرفتی دیگر جوامع هم در ایجاد این تحول بی‌تأثیر نبوده است. امام رضا^(ع) در مقابل شبهه جریان‌های الحادی به موضوع‌های مطرح شده در حوزه‌های کلامی، با نگرشی اعتدال‌گرا نگریده‌اند. ایشان با موضع‌گیری‌های سازنده، مبانی عقیدتی جامعه اسلامی را در برابر شبهه‌ها بیمه کردند و احاطه علمی حضرت در موضوع‌های مختلف کلامی، زمینه شکل‌گیری کلام شیعی را فراهم آورد.

۴. ساماندهی قیام‌های علویان

بعد از درگیری امین و مأمون، هرج و مرج بیشتر شهرهای اسلامی را فراگرفت و ناامنی و اضطراب بر جامعه حاکم شد. این نابسامانی زمینه را برای تحرک دیگر مخالفان فراهم ساخت و قیام‌هایی را در پی داشت. مهم‌ترین این قیام‌ها، قیام‌های علویان بودند که عبارت‌اند از: قیام محمد بن ابراهیم بن طباطبا (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۶۴-۴۶۱)، قیام زید بن موسی^(ع) (زیدالنار) (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱۶: ۲۵۵-۲۵۱)، قیام ابراهیم موسی بن جعفر^(ع) (همان: ۲۵۶؛

طبری، ۱۳۷۵، ج ۱۳: ۵۶۳۸)، قیام ابن‌افطس (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۴۱؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۱۳: ۵۶۴۰-۵۶۳۸) و قیام محمد بن جعفر صادق^(ع) (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۴۴-۴۳۹؛ اصفهانی، بی‌تا: ۴۴۱-۴۳۸).

هارون با توجه به ملاحظه‌های سیاسی و برای حفظ حاکمیت خود پس از شهادت امام موسی کاظم^(ع) از کشتار و شکنجه علویان دست کشید و از فشار سیاسی و اجتماعی علیه امام^(ع) کاست، به همین علت ایشان مبارزه خود را به گونه‌ای دیگر ادامه دادند. در این دوران سادات به شورش‌هایی علیه حکومت دست زدند که گاه شخصیت امام^(ع) نیز پشتوانه آنان بود و به سفارش حضرت از ریختن خون شورشیان جلوگیری می‌شد، از سوی دیگر ایشان به نشر بیشتر فرهنگ اسلامی و پرورش شیعیان پرداختند. پس از این دوره در زمان حکومت مأمون، شورش و نافرمانی سراسر قلمرو عباسی را فراگرفت. درحالی‌که امین تنها بر بغداد مسلط بود و مأمون بر خراسان، علویان با دعوت «الرضا من آل محمد^(ص)» به زودی بر حجاز، یمن، کوفه، بصره، واسط و اهواز مسلط شدند و دعوتشان در تمام این مناطق گسترده شد. مهم‌ترین شورش‌ها قیام ابوالسرایا به رهبری ابن‌طباطبا بود (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱۶: ۲۵۳-۲۴۸؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۶۴-۴۶۱). البته اشکال اساسی علویان که همان نداشتن اتحاد بود مانع موفقیت آنها می‌شد. در ظاهر امام^(ع) در زمینه قیام با علویان ارتباط نداشتند ولی مأمون احتمال می‌داد که شخصیت برجسته‌ای که دور از مرکز حکومت است اقدامی علیه وی انجام دهد و قیام‌های علویان زمینه را برای امام^(ع) فراهم سازد. لذا مأمون برای رفع خطر علویان در پی چاره‌ای اساسی و همیشگی برآمد و تصمیم گرفت برای فرونشاندن قیام‌های پی در پی علویان، امام رضا^(ع) را از مدینه به مرو احضار کند و به اجبار ایشان را ولیعهد خود سازد (حسینی، ۱۳۷۷: ۱۴۱). عرضه خلافت به امام رضا^(ع) معنایش این نبود که مأمون از هرگونه امتیازی چشم پوشیده بود و دیگر سهمی از حکومت نمی‌طلبید، بلکه برعکس می‌خواست بر مسند حکومت، مقامی ظاهری و صوری بنشانند و در باطن همه کارها به دست او باشد، در این صورت نه تنها از قدرتش کاسته نمی‌شد بلکه موقعیتی قوی‌تر

می‌یافت. مأمون با تفویض خلافت به امام^(ع) در پی این نبود که خلافت خود را از دست بدهد، بلکه می‌خواست از علویان اعتراف بگیرد که حکومتش قانونی است لذا درصدد بود بزرگ‌ترین شخصیت آنان را به این بازی وارد سازد (همان: ۱۶۱). سرانجام مأمون با ولیعهدی امام^(ع)، از طرف علویان آسوده‌خاطر شد، آنها به‌خاطر امام^(ع) آرام گرفتند. در تاریخ هیچ شاهدی از حرکتی علیه مأمون طی فاصله‌ای که امام^(ع) به‌عنوان ولیعهد در دستگاه حکومتی حضور داشتند وجود ندارد. بنابراین یکی از پیامدهای قیام علویان تغییر جهت خلافت عباسی در مورد جایگاه امامان^(ع) بود و اینکه آنان نیز در امر خلافت دارای حق هستند. ولایتعهدی امام^(ع) به علویان هیچ‌گونه اذیت و آزاری نرساند و وضعیت زندگی آنها بهبود یافت، کما اینکه مأمون تعداد زیادی از علویان را با اینکه از نظر وی جرم‌های بزرگی مرتکب شده بودند از جمله «زیدالنار» برادر حضرت رضا^(ع)، عفو کرد. اما بعد از شهادت امام^(ع) با توجه به خطری که از جانب علویان احساس می‌کرد، سیاست خود را تغییر داده تعداد زیادی از آنها را کشت و بقیه متواری شدند.

باید توجه داشت که امام رضا^(ع) از مشارکت مستقیم در قیام بر ضد حکومت‌های زمان خودداری می‌کردند و در این امر بر ایشان انتقاد و اعتراضی وارد نیست، زیرا آنان با ارزیابی وضعیت موجود می‌دانستند که شورش و قیام بر ضد حکومت جز شکست چیز دیگری نصیب شیعیان نمی‌کند، بنابراین ائمه^(ع) برای آگاه‌سازی افراد جامعه و هدایت و تربیت آنها کوشش داشتند. امام رضا^(ع) انقلاب‌های علویان را نه به‌طور کامل تأیید و نه آنها را رد می‌کردند. این نهضت‌ها از آن روی که گامی در جهت آگاهی بخشیدن به توده‌ها برای مخالفت با خلفا به‌شمار می‌آمد مورد تأیید ضمنی امام^(ع) بود؛ اما در مرحله عمل دیدگاه امام^(ع) با سران این نهضت‌ها تفاوت داشت.

نقش روشنگری و بصیرت‌افزایی

امام رضا^(ع) در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخ شیعه به امامت رسیدند. فضای فعال فرهنگی و رونق مباحث علمی، بحران مشروعیت سیاسی و دینی و نیز انشعاب‌های درون‌فرقه‌ای

۵۰ ❖ فرهنگ رضوی

شیعه، سبب شد امام رضا^(ع) با ابزارهای مختلفی به روشنگری امت بهت زده و تشنه معرفت آن دوره دست بزنند. بیان فلسفه احکام، صدور روایت‌های عقیدتی، تألیف کتاب‌ها و رساله‌های مختلف و موضع‌گیری‌های سیاسی و تاریخی امام^(ع) همه در همین جهت برنامه‌ریزی شده‌اند.

لازم به ذکر است بصیرت‌افزایی امام رضا^(ع) از سه طریق انجام شد:

۱. مناظره‌ها

مناظره‌های امام رضا^(ع) بستر مناسبی برای روشنگری بود، این مجالس بر خلاف تصویر برگزارکنندگان آن، مرتب به نفع امام^(ع) خاتمه می‌یافت و زمینه ترسیم شخصیت واقعی ایشان را فراهم می‌کرد. پس می‌توان این مباحث را مهم‌ترین عامل بصیرت‌افزایی و توسعه مذهب تشیع دانست، چون به این بحث به شکل کافی پرداخته شده، به همین اندک بسنده می‌شود (رک: ابن بابویه، ۱۳۷۲ و ۱۴۱۴ق؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ۳۸۱-۳۸۷ و ...).

۲. مکاتبه

قلم، کارآمدترین ابزار برای انتقال پیام‌ها و قوی‌ترین وسیله برای ماندگاری ایده‌ها، عقاید و اندیشه‌هاست. علاوه بر مناظره‌ها، مجموعه نامه‌های امام^(ع) به افراد مختلف در توضیح مبانی شیعه و روشنگری، نقش مهمی داشت. نامه‌هایی از قبیل تبیین جایگاه اهل بیت^(ع) در کتاب و سنت (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۹۰-۲۸۴)، برخی از مسائل کلامی (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۲۹)، مسائل اختلافی میان شیعه و اهل سنت مثل ایمان ابوطالب (فیض کاشانی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۷۶)، توضیح مصداق شیعه (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۲۰۶-۲۰۳) و معنای «اولوالامر» (عیاشی، بی تا، ج ۱: ۳۶۰) و

۳. مهاجرت‌های هدف‌دار دینی و فرهنگی

امام^(ع) قبل از مهاجرت به مرو، به منظور معرفی خود، اثبات امامت و برای از بین بردن

شبهه و بصیرت‌افزایی، به بصره و کوفه سفر کردند و در آنجا با گروهی از مسلمانان از جمله عمرین هدا که گرایش ناصبی داشت و معتزلی‌مذهب بود و دیگران مناظره‌هایی داشتند (رک: ابن بابویه، ۱۳۹۸ق).

نقش حفاظتی-هدایتی

حفظ جامعه شیعه از انواع آسیب‌ها و هدایت آنها در مسیر درست، یکی از مهم‌ترین آثار مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) بر تشیع است.

۱. حفظ جامعه شیعه از آسیب (سیاسی، فرهنگی و علمی)

درواقع آنچه که زمینه توسعه هر چه بیشتر مجموعه رو به رشد شیعه را فراهم کرد، طرح‌ها و تدابیر حفاظتی بود که امام رضا^(ع) به‌کار بستند. این مسئله به‌خصوص در دوره مأمون که حکومت عباسی از قدرت بالایی برخوردار بود و امام رضا^(ع) در منصب ولایتعهدی (هر چند بر حسب ظاهر) بودند اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد. در این دوره که مسائل فکری و عقیدتی و همچنین مباحث فقهی در جامعه اسلامی اوج گرفته و شبهه‌های گوناگونی در زمینه‌های دینی و غیردینی مطرح می‌شد، تشنگی علمی و معرفتی شدیدی میان مردم به‌وجود آمد. پیروزی در مناظره‌ها، عظمت علمی، مقام معنوی و اخلاق عملی باعث جذب مردم به سوی امام رضا^(ع) شد. ابهت علمی ایشان همه جا را فراگرفت به‌گونه‌ای که مأمون به آن اعتراف کرد.

این مسائل امری نبود که حکومت نسبت به آنها بی‌تفاوت باشد. در چنین فضایی، امام رضا^(ع) برای حکومت، حساسیت‌زا و سوءاستفاده از وجهه اجتماعی ایشان از مهم‌ترین دغدغه‌های حکومت بود. همچنین جماعت شیعه که از نفوذ و تأثیر زیادی برخوردار بودند و سردمداران قیام‌های علوی که به‌صورت مخفیانه زندگی می‌کردند و در مناطق دورافتاده، متواری بودند، با استفاده از موقعیت و پست حکومتی امام رضا^(ع) وضعیت زندگی آنها بهبود یافت و از آزادی نسبی بهره‌مند شدند. این مسئله برای حکومت نگران‌کننده و حساسیت‌زا بود.

- با توجه به این موضوع، تاکتیک‌های امام رضا^(ع) در دو جهت اصلی باید اجرا می‌شد:
۱. اجتماع و جامعه شیعی چگونه کنترل و هدایت شود تا آسیب نبیند؛
 ۲. رهبری شیعه چگونه خود و راه فکری‌اش را از آسیب محفوظ نگه دارد.

۲. دور کردن شیعیان از خطرهای سیاسی

در دوره مأمون عباسی با توجه به جریان ولایتعهدی، امام رضا^(ع) کوشیدند جامعه شیعی را از اهداف پشت پرده خلیفه آگاه کنند تا از سوق یافتن شیعیان در گرداب‌های سیاسی که خلیفه نقش اول آن‌را بر عهده داشت جلوگیری کنند. در چنین شرایطی که دشمن آشنایی کاملی با جامعه شیعه داشته و با مهم‌ترین شخصیت آن یعنی امام رضا^(ع) رابطه دارد، نیاز به تاکتیک‌های جدید و متفاوت بود. اگر امام^(ع) ولایتعهدی را نمی‌پذیرفتند، مأمون به این بهانه ایشان را از صحنه بیرون می‌کرد. بنابراین امام رضا^(ع) کوشیدند تا تهدیدهای مذکور را به فرصت تبدیل کرده و با جلوگیری از هدر رفتن نیروها، جماعت شیعه را به سمت ایجاد انقلاب فکری و فرهنگی هدایت کنند.

نتیجه‌گیری

امام رضا^(ع) با مدیریت فرهنگی، جان تازه‌ای به کالبد نیمه‌جان شیعه بخشیدند که پس از نهضت علمی امام صادق^(ع) در تاریخ شیعه نظیر ندارد. نقش و تأثیر این انقلاب فرهنگی بر جامعه شیعه را می‌توان در موارد زیر دانست: نقش احیاکنندگی هشتمین اختر تابناک امامت احیاگر اسلام ناب محمدی، قرآن و سنت علوی است که باعث تعالی جایگاه تقلین در جامعه شد، نقش تبیینی و تثبیتی امام^(ع)، محوری‌ترین اصل در منظومه کلام شیعه یعنی اصل امامت را به‌خوبی تبیین و باعث تثبیت آن در افکار مسلمین شدند، ایشان با ارتقاء سطح علمی و فرهنگی جامعه، تصحیح نگرش مسلمانان، توسعه همه‌جانبه علوم و ایجاد فضای مناسب علمی، نقش بالندگی و توسعه‌بخشی به شیعه داشتند. در کنار سایر مسائل پیش‌گفته، نقش نخبه‌پروری، سازمان‌دهی و سامان‌بخشی، حفاظتی - هدایتی، بصیرت‌افزایی

نقش و آثار مدیریت فرهنگی ... ❖ ۵۳

❖ سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳

و... از دیگر آثار مدیریت فرهنگی امام رضا^(ع) است. در کنار همه شیوه‌های نوین، روش گفتمان و گفتگو که امام رضا^(ع) از آن بهره بردند، در این عصر پاسخگویی معضلات فرهنگی جامعه است، آن چیزی که سبب می‌شود، آگاهی داشتن از خوبی‌های افراد است و این احساس زمانی بیشتر تقویت می‌شود که علم و معرفت ما نسبت به مسئله یا فرد بیشتر شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۲). *عیون الاخبار الرضا*^(۴). مترجمان حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: صدوق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶). *الامالی*. مترجم محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۲). *الخصال*. مترجم یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵). *علل الشرایع*. قم: کتابفروشی مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸ق). *التوحید*. مترجم هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق). *معانی الاخبار*. مصحح علی اکبر غفاری، قم: اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۴ق). *اعتقادات الامامیه*. چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۸۲). *تحف المقول*. مترجم احمد جنتی، تهران: امیرکبیر.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۴۰۵ق). *مناقب آل ابی طالب*^(۵). مصحح و تعلیق هاشم رسولی محلاتی، بیروت: دار الاضواء.
- ابن ندیم، محمد، (بی تا). *الفهرست*. مصحح رضا تجدد، بیروت: دار الاستقامه.

❖ نقش و آثار مدیریت فرهنگی ... ❖ ۵۵

- احمدی، مسعود، (۱۳۸۲). *مبانی سازمانی و مدیریت*. تهران: ویرایش.
- اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۲). *کشف الغمه*. مترجم علی بن حسین زواره‌ای، چاپ سوم، تهران: اسلامیه.
- اشعری، علی بن اسماعیل، (۱۳۶۲). *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*. مترجم محسن مؤیدی، تهران: امیرکبیر.
- اصفهان‌ی، ابوالفرج علی بن الحسین، (بی تا). *مقاتل الطالبین*. محقق احمد صقر، بیروت: دارالمعرفه.
- الوانی، مهدی، (۱۳۷۴). *مدیریت عمومی*. تهران: نی.
- تقوی دامغانی، رضا، (۱۳۶۸). *نگرشی بر مدیریت اسلامی*. بی جا: اسلامی.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، (۱۳۸۵). *مدیریت فرهنگی*. چاپ سوم، قم: هاجر.
- حسکانی، عبیدالله بن احمد، (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی، جعفر مرتضی، (۱۳۷۷). *زندگی سیاسی هشتمین امام^(ع)*. مترجم خلیل خلیلیان، تهران: فرهنگ اسلامی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ق). *قرب الاسناد*. قم: آل‌البتیت^(ع).
- صدر، حسن، (بی تا). *تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام*. تهران: منشورات الاعلمی.
- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. محمدباقر خراسان، مشهد: مرتضی.
- طبرسی، فضل بن سهل، (۱۳۹۰). *زندگانی چهارده معصوم^(ع)*. مترجمان اعلام الوری و عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران: اسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*. مترجم ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: اساطیر.
- طیبی، محسن، (۱۳۹۱). «اهل سنت و حدیث سلسله الذهب». *امامت پژوهی*، سال دوم، شماره ۵: ۳۵-۷۳.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۷۳). *رجال*. مصحح جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۵۱). *الفهرست*. محقق محمدصادق آل بحر العلوم، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- علی بن موسی^(ع)، (۱۴۰۲ق). *طب الامام الرضا^(ع) (الرساله الذهبیه)*. مصحح محمد مهدی نجف، قم: دارالخیام.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (بی تا). *تفسیر العیاشی*. تهران: علمیه اسلامیه.

- فیض کاشانی، محمد، (۱۴۰۷ق). **الوافی**. قم: معارف اسلامی.
- قتال نیشابوری، محمدبن احمد، (۱۳۶۶). **روضه الواعظین**. مترجم محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، (۱۴۱۶ق). **ینایع الموده لذوی القربی**. محقق سیدعلی جمال اشرف الحسینی، قم: دارالسوه.
- کشی، محمدبن عمر، (۱۴۰۹ق). **رجال کشی - اختیار معرفه الرجال**، محقق محمدبن حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۹). **اصول کافی**. مترجم جواد مصطفوی، تهران: علمیه اسلامیة.
- کونن، بروس، (۱۳۸۸). **درآمدی بر جامعه‌شناسی**. مترجم محسن ثلاثی، چاپ هجدهم، تهران: توتیا.
- محمدزاده، مرضیه، (۱۳۸۸). **علی بن موسی (ع)، امام رضا (ع)**. چاپ پنجم، قم: دلیل ما.
- مرتضوی، محمد، (۱۳۷۵). **نهضت کلامی در عصر امام رضا (ع)**. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۶۲). **اثبات الوصیه لعلی بن ابی طالب (ع)**. مترجم محمدجواد نجفی، چاپ دوم، تهران: اسلامیة.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۷۴). **مروج الذهب و معادن الجواهر**. مترجم ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- مفید، محمدبن محمد، (بی تا). **الارشاد**. مترجم هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران: اسلامیة.
- نائینی، علی محمد، (۱۳۸۹). **درآمدی بر مدیریت فرهنگی**. تهران: ساقی.
- نجاشی، احمدبن علی، (۱۳۶۵). **رجال النجاشی**. چاپ ششم، قم: النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه.
- نویختی، ابو محمد حسن بن موسی، (بی تا). **فرق الشیبه**. مصحح محمدصادق بحر العلوم، بیروت: دارالاضواء.
- نبلی پور، مهدی، (۱۳۹۰). **مهندسی و مدیریت فرهنگی**. چاپ دوم، اصفهان: مرغ سلیمان.
- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، (۱۳۷۱). **تاریخ یعقوبی**. مترجم محمدابراهیم آیتی، چاپ ششم، تهران: علمی و فرهنگی.